

### میراث ادبی شاعران حصار در شبه قاره‌ی هند و پاکستان

شمس‌الدین محمدی<sup>۱</sup>

ادبیات فارسی سرزمین هند و پاکستان محصول تفکر و احساس مردمان فارسی‌زبان آسیای میانه، ایران، افغانستان و خلق‌های بومی شبه قاره‌ی هند می‌باشد. در تشکّل این ادبیات سهم مردم تاجیک خیلی نظررس [برجسته] بوده، وابسته به شرایط به عمل آمده در قرن‌های ۱۶-۱۷، بسیاری از شاعران و نویسندگان آسیای میانه [اصطلاح جدید آسیای میانه بی‌چند و چون نیست] به هندوستان مهاجرت کردند که در بین آن‌ها نمایندگان حصار شادمان نیز کم نبوده‌اند.

نخستین شاعری که با نسبه‌ی حصاری [حصاری نسب] در مأخذهای ادبی فارسی هندوستان به نظر می‌رسد غیوری حصاری می‌باشد که ذکر او در «آیین اکبری» نوشته‌ی ابوالفضل علاّمی در سال ۱۵۹۸/۱۰۰۶ آمده است. معلومات ابوالفضل علاّمی در باره‌ی این شاعر حصاری عبارت از یک جمله است و از آن تنها همین قدر معلوم می‌گردد که موصوف در دربار اکبر (۱۵۵۶-۱۶۰۵) در جزو سپاهیان شامل بوده است: «مردانگی غازه‌ی چهره‌ی او و ساده‌لوحی پیرایه‌ی حال (او)»<sup>۱</sup>

از این شاعر گمنام در این تاریخنامه یک بیت و یک قطعه‌ی بسیار لطیف (۳ بیت) آورده شده است:

شوق چون راه بر آن در اندازد،

رسم باز آمدن براندازد.<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> - عضو هیئت علمی انستیتوت زبان و ادبیات به نام ابو عبدالله رودکی آکادمی علوم جمهوری

تاجیکستان

بر در شاه اکبر غازی  
گر بهشتی است پُر ز آسایش،

ریش خود را اگر تراشیدم،  
نه از پی زینت است و آرایش،

که چو جرم از سیاه‌روی نیست  
ریش را در بهشت گنجایش.<sup>۳</sup>

در باره‌ی غیوری حصارى معلومات مفصل را در «تذکره‌الشعراء» مطربى سمرقندى (تألیف در حدود سال‌های ۹۶۶-۱۰۴۰/۱۵۵۹-۱۶۳۱) دریافت کرده می‌توانیم که در نقطه‌ی سوم آن آمده است. مطابق این معلومات، اگر چه در حصار زاده شده است، ولی نشو و نما در کابل؛ در درگاه محمد حکیم میرزای کابلی یافته است. او مرد پر زور و جسور بوده، در چندین محاربه‌های خان مذکور اشتراک و دلیری‌ها نشان داده است. از این معلومات برمی‌آید که صورتی خوب نداشته باشد هم، سیرتی خوب و شعر، از جمله غزل را نیک می‌سروده است. از او یک غزل (۵ بیت) نمونه آورده است، که به مطلع زیر شروع می‌شود:

در تنم تبّ هجرت آتشی چو شمع افروخت،  
مُرده مُرده خواهم زیست، زنده زنده خواهم سوخت. ۴

هم‌چنین در همین کتاب آورده شده است که راجع به این شاعر در مأخذهای دیگر معلومات داده شده است. ۵. او در جوانی، یعنی تا چهل سالگی در سال ۱۵۹۱/۹۹۹ در گذشته است.

شاعر دیگر حصارى که در «منتخب التّواریخ» عبدالقادر بداونى (تألیف در حدود سال‌های ۹۹۹-۱۰۴۰/۱۵۹۱-۱۵۹۶) از او یاد شده است، غربتی حصارى می‌باشد. معلومات عبدالقادر بداونى در باره‌ی این شاعر مختصر باشد هم، خیلی بااهمیت است. از آن نکاتی چند از حیات او، از جمله سال تولد و اهل ماوراءالنهر و مرید شیخ حسین

خوارزمی بودن غربتی معلوم می‌گردد. «صاحب‌دیوان است و به قدری طالب‌علمی کرد. و می‌گفت که در ماوراءالنهر روزی در مجلس سماع سلطان‌الاولیاء، ختم الاتقیاء شیخ حسین خوارزمی - قَدَسَ اللهُ رُوحَهُ - حاضر بودم، قوالان این رباعی می‌خواندند که:

عمری است که من ز پوست پوشان توام،  
در دایره‌ی حلقه بگوشان توام.  
گر بنوازی من از خروشان توام،  
ور نوازی من از خموشان توام.

و حضرت شیخ بر بیت آخر حال و توجّد می‌فرمود. ناگاه مرا نیز کیفیتی به برکت صحبت او روی داد. بی‌خود از جای درآمدم و بر زبان من چنین گذشت که:

گر بنوازی مرا و گر نوازی،  
در دایره‌ی حلقه بگوشان توام.  
حضرت شیخ دست مرا گرفته با خویش گردانیدند و آن لذّت از دل من نمی‌رود». در سال ۹۶۶ (۱۵۵۹ م.) به آگره در جوار مدرسه‌ی شیخ فرید فوت کرد. این مطلع از او مشهور است:

دهان یار با من دوش رمزی گفت پنهانی،  
که من سرچشمه‌ی آب حیاتم، هیچ می‌دانی؟!۶

در «منتخب التواریخ» همچنین از محنتی حصارى ذکر رفته است که در زمان تألیف اثر (سال‌های ۱۵۹۱-۱۹۹۵) طالب‌علمی در مدرسه‌ی دهلی بوده است. پس از ختم تحصیل به قاضیگی [مسند قضاوت] سرهند منصوب گردانیده می‌شود و از طرف اکبر، تخلّص محنتی بر او داده می‌شود. بنا بر نوشته‌ی عبدالقادر او در همان بلده گذشته است. از این شاعر حصارى الاصل دو مطلع هم آورده است:

یافتم در گذری جای کف پایش را،  
چون نمالم رخ خود، یافته‌ام جایش را.

به فکر موی میان‌ت دل کسان گم شد،

دل شکسته‌ی ما هم در آن میان گم شد. ۷

به جز شعرای مذکور در «ریاض‌الشعراء» علی قلی خان واله‌ی داغستانی از شاعران بیضا، حصار‌ی چکنه‌ای، ۹ طفیلی حصار‌ی، ۱۰ عیشی حصار‌ی ۱۱ و فتحی حصار‌ی ۱۲ نام برده، بدون معلومات یک بیتی از نمونه‌ی آثارشان را آورده است.

در باره‌ی شاعران حصار‌ی الاصل «ریاض‌الشعراء» واله‌ی داغستانی، بار اول مورخ تاجیک؛ شادروان احرار مختار اف، در رساله‌ی تاریخی خویش «حصار» ۱۳ از روی نسخه‌ی محفوظ در کتابخانه‌های هندوستان معلومات داده است، ولی از چه باشد که در باره‌ی شاعر اولی چیزی نیاورده است و در باره‌ی شاعر طفیلی حصار‌ی معلومات را از تذکره‌ی «نشر عشق» حسینقلی خان عظیم آبادی ۱۴ ثبت کرده است. ۱۵ همچنین شاعر غبوری حصار‌ی در «نشر عشق» با نام غریبی حصار‌ی از ۵ بیت نمونه ثبت شده است. ۱۶

بدین طریق، سهم نمایندگان علم و ادب حصار شادمان که از ملک‌های عمده‌ی امارت بخارا بود، در تشکل و رشد فرهنگ و ادب فارسی در سرزمین پهناور هندوستان خیلی با اهمیت می‌باشد.

## منابع و پی نوشت:

۱. ابو الفضل علامی. آیین اکبری. دهلی، ۱۲۷۲، ص. ۳۲. این کتاب با تصحیح و تکمیل سید احمدخان دهلوی یکی از روشنفکران دوره‌ی نوین هند به چاپ رسیده است. در این کتاب تاریخی در دفتر دوّم راجع به زندگی‌نامه‌ی دانشمندان و سرایندگان و سپاهیان و از جمله ۵۸ تن از شعرای دربار اکبر بطور مختصر سخن رفته است که غیوری حصاری نفر ۵۴ آن‌ها به حساب می‌رود. جالب آن است که مصحح کتاب در این باب ضمیمه‌ای افزوده است که شرح ۱۵ نفر شاعران دیگر ایرانی و هندی آن قرن را آورده است و در ضمن در حاشیه تکمله‌ای بر شرح حال شاعران «آیین اکبری» نگاشته است. در تکمله‌ی مذکور در مورد غیوری حصاری نوشته است: «تذکره فراهم آورده او را کابلی می‌نگارد، و آن که دیگر غیوری است ذوالقدری و شاه‌وردی‌خان نام دارد» (آین اکبری. دهلی ۱۲۷۲، ص. ۳۲۰).
۲. آیین اکبری، ص. ۳۲۰.
۳. آیین اکبری، ص. ۳۲۰.
۴. مطربی سمرقندی. تذکره الشعراء. مقدمه و تصحیح اصغر جان‌فدا. با مقدمه و تهیه و تعلیقات علی رفیعی علامرودشتی، تهران، آینه‌ی میراث، چاپ اول، ۱۳۷۷، ص. ۷۴۴.
۵. از جمله تذکره‌های چاپ نشده «صحف ابراهیم» تألیف علی ابراهیم خان خلیل، نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی توپینگن، شماره‌ی ۱-۳۸۳، برگ ۲۱۵؛ سفینه‌ی خوشگو، نوشته‌ی بیندراپین داس خوشگوی عظیم آبادی. عکس نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی بریتانیا، لندن، شماره‌ی 4672 or و نسخه‌ی خطی کتابخانه‌ی مدرسه‌ی عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق)، تهران، شماره‌ی ۲۷۲۴، حرف (غ)؛ تاریخ نظم و نثر در ایران و در زبان فارسی نوشته‌ی سعید نفیسی، تهران، جلد ۱، ۱۳۶۳، ص. ۵۳۹، ۵۸۳؛ تاریخ ادبیات در ایران، تألیف دکتر ذبیح الله صفا، جلد ۵، کتاب ۱، تهران، ۱۳۶۳، ص. ۴۵۸؛ فرهنگ سخنوران؛ تألیف عبدالحسین خیام پور، تهران جلد ۱۳۶۸، ۶۷۸.
۶. منتخب التواریخ؛ تألیف عبدالقادر ابن ملوکشاه بداونی. به تصحیح مولوی احمد علی، با مقدمه و ایضاحات توفیق سبحانی. تهران، انجمن آثار و مفاخر اسلامی، ۱۳۷۹

- ص. ۱۹۹-۲۰۰؛
۷. منتخب التواریخ، ص. ۲۳۱.
  ۸. تذکره‌ی «ریاض الشعراء» تألیف علی قلی خان واله‌ی داغستانی. مقدمه، تصحیح و تحقیق سید محمد ناجی نصر آبادی. تهران، چاپ اول، جلد اول ۱۳۸۴، ص. ۳۷۳.
  ۹. «ریاض الشعراء»، جلد اول، ص. ۵۸۲.
  ۱۰. «ریاض الشعراء»، جلد دوم، ص. ۱۲۷۷.
  ۱۱. «ریاض الشعراء»، جلد سوم، ص. ۱۴۸۲.
  ۱۲. «ریاض الشعراء»، جلد سوم، ص. ۱۶۳۱.
  ۱۳. احرار مختاراف. حصار. آپیرک تاریخی (آخر عصر ۱۵-اول عصر ۲۰). دوشنبه، نشریات ادیب، ۱۹۹۵.
  ۱۴. احرار مختاراف در باره‌ی از کدام نسخه استفاده بردنش چیزی نوشته است.
  ۱۵. احرار مختاراف. حصار. آپیرک تاریخی (آخر عصر ۱۵ اول عصر ۲۰). دوشنبه، نشریات ادیب، ۱۹۹۵، س. ۲۴۶-۲۴۷.
  ۱۶. حسینقلی خان عظیم آبادی. تذکره‌ی «نشر عشق». کتاب سوم. با تصحیح و مقدمه‌ی اصغر جانفدا. زیر نظر اعلا خان افصح زاد و جابلقا داد علیشایف. دوشنبه، نشریات دانش، ۱۹۸۳، ص. ۱۱۰۳-۱۱۰۴.